

اتحاد و استقرار کامل والدین بهشت و زمین

سان میانگ مون

استادیوم چمشیل، سئول کره - بیست و یکم ژوئن دوهزار و دو



خانمها و آقایان محترم، برادران و خواهران سرزمین پدري و هفتاد میلیون نفر از مردم دنیا که به تماشای این گردهمایی تاریخی نشستهاید! من قدردانی خود را از شرکت شما در این گردهمایی پرمعنای اتحاد و استقرار کامل والدین بهشت و زمین اعلام می‌کنم.

ما سرانجام برآستی به عهدی تاریخی و مشیت شده وارد شده‌ایم که باید چگونگی آن به طور گسترده به جهانیان اعلان شود. بهشت و زمین بمدت شش هزار سال در انتظار يك دنیای ایده‌آل صلح آمیز بوده‌اند که همان پادشاهی بهشتی بر روی زمین و در دنیای روح می‌باشد. اقبال بهشتی در این عهد از ما در تاسیس آن حمایت می‌کند.

خداوند بسان گسترش مشیت الهی در تاریخ، رشد مذهب مربوط به دوره و فرهنگ خاصی را امکان پذیر ساخت و انسانها در درون این حوزه‌ی مذهبی برای تحقق یک دنیای صلح آمیز بدون وقفه در تلاش بوده‌اند. اما در پایان، همه چیز از طریق فهم درست درون مایه‌ی مشیت خدا و قلب او بازساخته خواهد شد.

امروز مردم از دنیای صلح آمیز و یک دنیای واحد سخن می‌گویند، ولی سوال واقعی این است که آیا ما قادر هستیم در درون خودمان به این صلح دست پیدا کنیم؟ اگر خدای عالم و یک انسان خوب با عزمی راسخ وجود می‌داشت، می‌توانستیم به این نتیجه برسیم که کسی وجود دارد که برای انجام این ماموریت اتحاد مصمم باشد.

بیشتر شما درباره‌ی عشق، خدمت و فداکاری برای دیگران سخن می‌گویند، که تحسین برانگیز است. عشق ورزیدن به یکدیگر به معنای آن است که دیگری را دوست داشته و هر آنچه که دارید برای او فدا کنید نه اینکه از او چیزی بگیرید و یا تقاضای چیزی داشته باشید. اساس صلح در محیطی شکل می‌گیرد که در آن مردم به یکدیگر خدمت می‌کنند. تشعشعات تجدید حیات زمانی زبانه می‌کشد که مردم خود را برای منفعت دیگران فدا کنند. زمانیکه مردم به یکدیگر خدمت می‌کنند، گلها جوانه زده و عطر افشانی میکنند.

آنچنانکه قطب منفی (آهن ربا) هرگز در جذب قطب مثبت باز نمی‌ماند، ما نیز می‌توانیم از طریق قدرت وجدان خودمان خدا را درک کنیم. ما هر چه بیشتر از طریق روح درستکارمان به خدا نزدیکتر بشویم به همان اندازه بیشتر می‌توانیم صلح، شادی و تکامل را در درون قلب خود احساس کنیم. اگر ما از عشق خدا که رحم صلح است پیروی کنیم، تمامی اندام درونی ما در هیجان تحریک شده، مرتعش خواهد شد. آنگاه پس از زیستنی اینچنین باید با اعتماد بنفس و شکوهمندانه زندگی خود را بر روی زمین به پایان برسانیم. حتی اگر در باره‌ی مرگ احساس تشویش خاطر داریم، همانطور که متعهد می‌شویم تا تمامی مسئولیت‌مان را در طی دوره‌ی زندگی خود به انجام برسانیم، باید ملتمسانه به دعا بنشینیم. اگر ما به قیمت زندگی خود برای نجات این دنیا به دعا نپردازیم، این دنیا به توده‌ای از سنگ بسان قبرستانی بی سرپرست مبدل خواهد شد.

ما شاید تمایل نداشته باشیم که به چهره‌ی پر چین و چروک یک پیرمرد یا پیرزن نگاه کنیم اما آن چین و چروکها سمبول پایه برای صلح هستند. اگر چه ممکن است که پیر و خمیده شده باشیم ولی وقتی که تشخیص بدهیم که این تنها چراغ راه امید ما است، خود را از تمامی رنجشها که جایگاهی برای توسعه و پیشرفت پلیدی هستند، رها خواهیم ساخت. اگر ما فقط برای خودمان کار کنیم، یاوران و دوستان پلیدی خواهیم شد. سرنوشت ما بر آن قرار گرفته است که پایه خوبی را از طریق زندگی‌مان تقویت کنیم. ما باید زندگی خود را برای آن استاندارد ارزیابی نموده و به این آگاهی برسیم که هر کسی در درونش دارای نفس پلیدی است که فقط برای نیل به امیال خودخواهانه زندگی می‌کند. شما قادر هستید که از آن وجود پلید که هر روز تاثیرات خود را گسترده‌تر می‌کند. جدا شده و پابرجا بر علیه آن مقابله کنید. لطفاً به این موضوع دقت بفرمائید که شما در مسیر تحت فشار سرنوشت قرار دارید و باید پایه خوبی خودتان را کمی بیشتر تقویت کنید قبل از اینکه از این دنیا رخت برکنید. به همین خاطر شما همواره باید در این جهت بدون هیچ وقفه‌ای فعالیت داشته باشید.

من در طی زندگی‌ام در کشورهای مختلف شش بار زندانی شده و مورد تهمت و افترا قرار گرفتم و بنام رهبر يك فرقه‌ی مذهبی با مخالفت‌های بسیاری روبرو شده‌ام. اگر مسیر فداکاری بسوی خدا را که من در آن قرار گرفته‌ام، مسیر اصلی و مرکزی است که در آن تمامی مردم از تمامی نژادها با من خواهند بود، آنگاه من به هر جایی پا خواهم گذاشت. من زندگی‌ام را همواره اینگونه گذرانده‌ام. به خاطر داشته باشید که خداوند، عیسی، روح‌القدس و مقدسین تنها زمانی به وجد درآمده و شاد خواهند شد که ما بهترین سربازان بهشتی شده و پیروزی کسب کنیم، آنگاه زمان و دوره‌ی صلح فرا خواهد رسید.

کشمکش درونی فرد به کشمکش درونی خانواده، کشمکش خانواده‌ها به کشمکش درونی قبیله، کشمکش قبایل به کشمکش درونی جامعه، کشمکش جامعه به کشمکش درونی کشور و کشمکش کشورها به کشمکش در سطح جهانی، و کشمکش دنیا به کشمکش بین دنیای روح و دنیای جسمی مبدل شده و گسترش پیدا کرده است. تنها زمانی که درگیری بین خدا و ارواح پلید بیشمار دنیای شیطانی به پایان برسد، يك عهد صلح تمامی جهان هستی را دربر خواهد گرفت. باید متوجه باشید که خدا در يك چنین مرحله‌ی با توجه به اصول بهشتی کار می‌کند.

عهد صلح جهانی تنها زمانی طلوع خواهد کرد که خدا در حین درگیری با شیطان، تمامی مشکلات را حل و فصل نماید. تا زمانی که قلب غمبار خدا عمیقاً شفا نیابد، بشریت روی صلح را نخواهد دید و اندیشه‌های خداوند در این دنیا هرگز بازدهی و ثمری نخواهند داشت.

اگر يك فرد راستین وجود داشته باشد که بتواند به اندوه پدر بهشتی و این دنیا پایان داده، آنها را آزاد ساخته، و يك ایدئولوژی و اجد شرایط برای تاسیس کشوری صلح آمیز در دنیای روح و بر روی زمین را به ارمغان آورد، باید از تمامی انواع سختی‌های قابل تصور طی طریق نماید. او بواسطه‌ی اندوه ناشی شده از عذاب فردی گرفته تا اندوه ناشی شده از رنج و محنت تمامی بشریت یاس و ناامیدی را تجربه خواهد کرد. او باید به درون قلب اندوهبار و ناامید خداوند نقب زده تا بتواند راهی برای از بین بردن آن محنت بیابد. در غیر اینصورت بشریت قادر نخواهد بود تاریخ محنت بار و تیره بخت را به کنار زده و يك دنیای صلح آمیز و يك باغ آزاد آسیب ناپذیر در برابر اندوه بسازد.



اگر شما نماینده‌ی ایده‌ی پادشاهی بهشتی جهان شمول شده نهضت عشق راستین، نسب خونی راستین و حقیقت راستین خدا را گسترش بدهید، آنگاه يك دنیای صلح آمیز طلوع خواهد کرد. در چنین دنیایی والدین ما تنها والدین نبوده، برادران و خواهران ما تنها برادران و خواهران نبوده و فرزندان شما تنها فرزندان موجود نیستند. اگر شما بتوانید به تمامی مردم بعنوان والدین خود، برادران و خواهران خود یا فرزندان خودتان نگاه کنید، آنگاه وقتیکه مردم رنج کشیده در این دنیای مرگ را مشاهده می‌کنید قادر نخواهید بود تا بدون اشک با آنها ارتباط برقرار کنید. وقتیکه به برادران و خواهران خود

یا به جوانان نظر می‌دوزید يك احساس قوی از مسئولیت برای نجات آنها در شما شکل گرفته، با چشمانی اشکبار تمامی تلاش خودتان را برای انجام چنین چیزی بکار خواهید گرفت. اگر شما واقعاً چنین انسانی بشوید - بسان خدا- آنگاه پادشاهی بهشتی در پیرامون شما بر روی زمین برپا خواهد شد .

استراتژی خدا این است که نخستین ضربه را از شیطان دریافت کرده، هر کاری برای خاطر او انجام بدهد، او را دوست بدارد و بعد همه چیز را از او دریافت کند. خدا برای گرفتن چیزی از دنیای شیطانی از زور استفاده نمی‌کند بلکه نخست بدون هیچ چشمداشتی عشق می‌ورزد، خود را فدا می‌کند، ضربات وارده را پذیرفته و حتی حاضر است تا زندگی خود از دست بدهد. شما باید این نکته را درک کنید که اگر خدا چنین نکند قادر به کاشتن بذره‌ای صلح جهانی نخواهد بود.

شما باید خانواده‌ی خودتان را در جهت زندگی برای کشور و دنیا سمت و جهت بدهید. در طی دروه‌های فردی، خانواده، قبیله، طایفه، اجتماع و کشور شما باید براساس تجربیاتی واقعی، وظیفه‌ی نشان دادن راه درست را به مردمان و کشورهای جهان به انجام برسانید. و سپس با انجام چنین چیزی باید بتوانید در مقامی جدائی ناپذیر متقابل از خدا به او خدمت کنید. تنها در آن زمان است که دنیای روح و دنیای جسم يك حوزه متحد صلح آمیز خواهند شد. شما باید راه‌دانی باشید که در زمان تاسیس پادشاهی بهشتی در مقام رهبران ابدی عهد، دیگران را سمت و جهت داده و تقدیر باشکوه و رسمی حوزه‌ی بهشتی را دریافت می‌کنند .

شخصی که در دوره‌های ناهنجار تاسیس پادشاهی نوین صلح یا بهشت آزادی، بسختی جنگیده و بی حد و حصر خون می‌افشاند، هرگز نابود نخواهد شد. خونی که او می‌افشاند خون مرگ نبوده بلکه نیروی زندگی خواهد شد. چیزی را که او در چنین حالتی به آن دست پیدا میکند، پایه‌ای است که ما باید به آن دست یافته، آن را در طی زندگی خود تجسم بخشیده و برای نسلهای آینده به ارث بگذاریم .

“اوه، پدر بهشتی! خواست الهی تو که ریشه در اعماق ایده‌آل آفرینش دارد و تو همواره می‌خواستی به آن افتخار کنی، اکنون به میوه نشسته است. انسانی را که تو برگزیدی به اتحاد قلبی نائل آمده است، چیزی که تو قبل از آفرینش دنیا همواره می‌خواستی به آن افتخار کنی.” شما باید در برابر خداوند چنین دعا کرده و استدعای روزی را داشته باشید که در آن بتوانید به پادشاهی بهشتی رهائی و صلح راه پیدا کنید، جائیکه خدا بتواند در آن مسرور و شادمان شود.

صاحب و مالک کشور کره کیست؟ او کسی است که بیش از هر کس دیگری به این کشور عشق ورزیده و برای آن ارزش قائل است. بنابراین اگر شما بیش از هر کسی به این کشور عشق ورزیده و آن را عزیز بدارید، آنگاه شما سرور مردم این کشور خواهید شد، حتی اگر نخواهید که در چنین مقامی قرار بگیرید. تنها در آن زمان عهد صلح مورد نظر خدا فرا خواهد رسید.

شما باید با از بین بردن رنجش خدا، او را آزاد کنید. هر مرد جوانی که مسئولیت از میان برداشتن يك مانع كوچك در سر راه خدا در مسیر راهبری کشور بعهده گرفته و از قلبی خادم به خدا، در مقام وجودی مطلق و با عظمت، که می‌تواند بر تمامی کشورها بعنوان پادشاهی بهشتی آزادی و صلح حکم براند، برخوردار باشد، براستی يك مرد بزرگ خواهد شد. اگر شما سوگند یاد کنید که چنین انسانی باشید، صرفنظر از چگونگی ژنده پوشی ظاهران، هرگز زشت و زنده بنظر نخواهید آمد. امید بیکرانی در آنجا خواهد بود و آن فرد پایه‌ی امید و شادی خدا خواهد شد.

ما با قرار گرفتن در مقامی که در آن بعنوان يك محصول برداشت شده و مورد بهره‌برداری قرار بگیریم، باید افرادی بشویم که بتوانند احساسات و تجربیاتشان را برای ارائه‌ی شادی هضم کنند. آیا این نکته درست نیست که تا زمانی که روح ما از مقام وحدانیت به بیراهه نرود، در حین اینکه ما آن پایه را به سطح کشور و دنیا گسترش می‌دهیم خداوند سرشار از صلح به دنیا پیوند خواهد خورد؟ بازسازی خداوند از کجا آغاز می‌شود؟ این بازسازی باید از درون زندان آغاز شود. در درون زندان، آیا سعی کرده‌اید بسان عیسی با قلبی صلح آمیز، قلبی با انعکاس استاندارد اصیل بازسازی شده در مقام فاعل، سرود قدرانی سر بدهید؟

وقتیکه در گذشته حواریون از مسیر سخت و محزون مشابه طی طریق می‌کردند، آیا خدا به آنها اختیار باز کردن درهای زندان را اعطاء نکرد تا آزاد شده و به حرکت درآیند و موقعیتشان به وضعیتی بهشتی مبدل بشود؟ خدا می‌خواهد تمامی شما مردمی بشوید که او بتواند به شما امید و انتظاری بیش از آن حواریون داشته باشد.

در آخر زمان، اگر جهت حرکت تاریخ برعکس نشود هیچ راهی برای نجات و بقاء وجود نخواهد داشت. به هر قیمتی که شده ما باید يك جهت تاریخی نوین را برای همگان به نمایش بگذاریم و آن راه نوین تاریخی اتحاد است. از آنجائیکه تاریخ با توجه به فداکاری دیگران به نقطه‌ی نهائی خود رسیده است، بطور حتم صلح جهان را فرا خواهد گرفت اگر مردان و زنان آنچنان عمل کنند که در گذشته بودند.

ما چگونه میتوانیم به ورای راه عذاب برویم؟ ما بایستی خوبی کشور را قبل از خوبی خود و همسرمان، خوبی دنیا را قبل از خوبی کشور و خوبی بهشت و زمین را قبل از خوبی دنیا قرار دهیم. اگر ما بدون هیچ تردیدی در راه عذاب، جائیکه تمامی دشمنانمان منتظر ما هستند، به پیش برویم، آنها همگی زایل و ناپدید خواهند شد. سپس با نائل آمدن به بزرگراه هموار، رهائی و آزادی را به ارمغان آورده و پادشاهی صلح بر روی زمین و در بهشت یا دنیای ایده‌آل مورد نظر خدا بواقعیت درخواهد آمد.

ما در آن دنیا نیز باید در پی الگوهای متمرکز بر خدا باشیم. وظیفه‌ی والدینی دوست داشتن فرزند يك تعهد اخلاقی بشری است. ما چگونه می‌توانیم معیار استاندارد ایده‌آل راه اصیل را که خدا طراحی نموده و نهضت هماهنگ آن را آموزش می‌دهد، بسنجیم؟ این معیار در شالوده‌ی روابط والدینی، زناشویی و فرزند و همینطور در اصل چهار پایه‌ی اساسی نهفته است. این مسئله اساسی در حینی که ما در رؤیای دنیای اتحاد و صلح هستیم در ما باقی می‌ماند و اگر حل نشود دنیای اتحاد فرا نخواهد رسید. لطفاً متوجه این نکته باشید که دنیای اتحاد در جایی شکل می‌گیرد که الگوی خانواده ناشی شده از الگوی فردی مرد و زن در آن تاسیس شده باشد. حتی اگر شما، خانواده‌ی شما و ملت شما فدا شوند، اگر يك سیستم ایدئولوژیکی آغازگر ارزشهای نوین مستعد در دادن منفعت به تمامی ملتها وجود داشته باشد، آنگاه دروازه‌ی نوین تاریخ از طریق آن ساختار ایدئولوژیکی در برابر چشمانمان گشوده خواهد شد. میزان قطعیت این امر بسان قطعیت قانون جاذبه است. لطفاً این نکته را مد نظر داشته باشید که چون این دنیا، دنیای گناه و پلیدی است، زمان تاسیس يك بهشت پیروزمند در این دنیای پلید که ما با پیروی از يك دستورالعمل ساده از گناه رها خواهیم شد، فرا خواهد رسید.

ما باید دشمنان خود را دوست بداریم. این روش محرمانه برای در هم فروریختن دیوارهای شیطنانی است که ما را احاطه کرده‌اند. حوزه‌ی برابری در این دنیا هرگز وجود نداشته است و راه بوجود آوردن چنین چیزی به تسلیم واداشتن آنهاست است که به ما ضربه می‌زنند، از طریق فدا کردن خود برای آنها، دوست داشتن آنها و به دعا و نیایش نشستن برای آنها.



ما با دادن برکت به آنها - مشابه با آن چیزی که خودمان دریافت کرده‌ایم - يك حوزه‌ی برابری پا به عرصه‌ی وجود خواهد گذاشت. چون پایه برای نبرد نهائی با دشمن را این چنین برپا کرده‌ایم، قادر هستیم که عقیده‌ی رؤیائی پایه‌ی يك ملت صلح آمیز را برای نخستین بار تاسیس کنیم و يك الگوی ایده‌آل دنیای صلح آمیز و متحد از اینجا آغاز خواهد شد .

برای کوتاه کردن راه بسوی بهشت، نجات دهنده، مردمی یا فردی خاص باید با فدا کردن خود مسئولیت تقبل نمایند. به همین علت مقدسین بسیاری از زندگی خود چشم پوشی کردند. در نتیجه‌ی آن

صعود و نزول ملت‌ها، بلندیها و پستیهای بسیاری را سبب شده تعادل و برابری کنونی را بوجود آورده‌اند. برابری صلح است .

در اصل قرار بود که آدم و حوای کامل متمرکز بر عشق راستین خدا یکی شده، بتوانند در يك ساختار روابط متمرکز برخدا بایستند. این ساختار در نهضت هماهنگ چهار پایه‌ی اساسی نامیده می‌شود. به خاطر اینکه ما شیوه‌ی تکمیل چهار پایه‌ی اساسی را از دست داده‌ایم، در هر يك از اعصار تاریخی که تا بحال از آن طی طریق کرده‌ایم، راهی برای تاسیس صلح، مدینه‌ی فاضله و يك دنیای ایده‌آل وجود نداشت. يك سرزمین ایده‌آل از طریق انکار و سرپیچی از راه اصل بوجود نمی‌آید .

مسیحیت بمدت دوهزار سال در گردابی با فشارهای وصف ناپذیر دورانی چون رنج و آزار تحت تسلط امپراطوری روم توسعه یافت. چرا مسیحیت که حتی روم را جذب کرد، در طی چند دهه آزادی عشق دوران اخیر آمریکا تنزل یافته و مقام خود را از دست داده است؟ این موضوع حیرت برانگیز است. مذهب یهود ایمان به خدا را آموزش می‌داد و تمامی یهودیان به خدا عشق می‌ورزیدند، اما هیتلر شش میلیون یهودی را قتل عام کرد. این موضوع نیز يك معمای عمیقی است. پاسخ برای هر دو موضوع آن است که مذاهب به راهی نرفتند که در اصل می‌بایست در آن گام برمی‌داشتند. در آخر زمان، اگر مردم برگزیده نتوانند با عشق راستین و اصیل خدا همراهی کنند، راهی جز این ندارند که بعنوان پیشکشی در برابر شیطان متلاشی شوند.

بنابراین برای سازماندهی دوباره دادن به دنیا بر چه چیزی باید تمرکز کنیم؟ دانش پژوهان و تاریخ نویسان بسیاری هستند که آوای چنین چیزی را سر داده‌اند، اما ما به کسی نیاز داریم که بتواند دنیا را رهبری و هدایت کند. چنین شخصی چگونه باید ما را راهنمایی کند؟ چه چیزی را باید تعلیم بدهد؟ مردم صلاحیت دار بسیاری هستند که می‌توانند نحوه‌ی زیستن متمرکز بر سیاست و قدرتهای سیاسی را به ما آموزش بدهند. این نکته که آنها قادر نیستند ما را بدرستی رهبری و هدایت کنند بخاطر ناقص بودن یا فقدان قدرت مالی آنها نیست. بلکه بواسطه‌ی آن است که آنها نظامی از عشق ارائه نمی‌دهند که بتواند با خدا و ایده‌آل او پیوند بخورد. اگر ما حقیقتی را بیابیم که بر اساس آن نظم اصیل عشق و اساس صلح بتواند در سطح جهانی گسترش پیدا کند، آنگاه برای اولین بار ذات اصیل ما می‌تواند روی آرامش را ببیند .

آغاز و پایان عشق راستین باید مشابه و یکی باشد. وجود يك شخص که بتواند قلبش را بطور مستقیم به بهشت و زمین پیوند زند بسنده خواهد بود. صلح از يك قلب عشق راستین نشأت می‌گیرد، آنگاه چه روی خواهد داد؟ آنگاه هستی با يك قلب لبریز از شادی دوست ما خواهد شد. اگر ما از چنین قلب راستینی برخوردار باشیم، آنگاه وقتیکه با جهان هستی روبرو می‌شویم گستره‌ی بیکران آن در درون روح ما به جریان خواهد افتاد. در آینده در چه وضعیت و چه حالتی دنیای

ایده‌آل برای بشریت فرا خواهد رسید؟ اگر نحوه‌ی صحیح استفاده از آلات تناسلی بطور واضح بیان نشود دنیا محکوم به نابودی است و ما هرگز به يك دنیای صلح‌آمیز دست نخواهیم یافت .

به روم و آمریکا توجه کنید: تنزل اخلاقی ایالات متحده بواسطه‌ی فقدان پول و قدرت مالی نیست، بلکه به خاطر آن است که آنها تا به این زمان قادر نبودند که اساس، نحوه‌ی آفرینش و چگونگی مالکیت آلات تناسلی را بفهمند. آنها به خاطر شیطان نتوانستند به چنین آگاهی دست پیدا کنند. برای آشکار سازی این موضوع و پاکسازی تمامی فسادهای ناشی شده از آن شیطان خائن و بدنهاد در سطح جهانی، من آمده‌ام و با برافراشتن پرچم خود بنام والدین راستین به پیش تاخته‌ام.

در حین وزش بادهای سرد ناحیه‌ی سردسیر به مناطق گرم و معتدل، میوه‌ها و برگهای درختان ریخته و آنها لخت می‌شوند. در زمستان میوه‌های درختان می‌ریزند، اما باد با همه‌ی سختی جریان وزش خود نمی‌تواند به بذره‌های زندگی‌بخش دست پیدا کند. بسان این بذرها که چنین سختی و قدرت رویش را نشان می‌دهند، يك باغ بهاری نوین صلح برای بشریت کشف خواهد شد. همانطور که باغ بهاری رهائی و امید کشف شده است و همانطور که بذره‌های زندگی نوین در زمین در این عهد نوین بشری کاشته شده است، بیائید باتفاق به منطقه گرم و معتدل رهائی، یعنی جائیکه در آن زمستانی نیست، نقل مکان کنیم که این با آموزشهای نهضت هماهنگ بطور کامل برابری می‌کند.

برای بهبود و بالا رفتن وجودمان باید از راه سختی و رنج طی طریق کنیم. آیا اتحاد شمال و جنوب کره امری ساده و آسان است؟ آیا متحد ساختن وجود خودمان آسان است؟ هر چند ممکن است که بتوانیم در مسیر اتحاد شمال و جنوب به پیش برویم، هنوز در نیل به اتحاد درونی خودمان پیروزی کسب نکرده‌ایم.

اگر مسیر و جهتی که دنیا پیش گرفته است بشکل درونی متحد بوده و بتواند تمامی گذشته، حال و آینده را در بر گیرد، امید برای ایجاد اتحاد در هر زمانی وجود خواهد داشت. این هدف از طریق يك اتحاد و صلح نائل خواهد آمد. يك صلح و نه دو صلح. چه زمانی شما می‌توانید خودتان را متحد کنید؟ آیا ما بدون اتحاد درونی صلاحیت حاکمیت بر يك دنیای متحد را داریم؟ چنین امری بطور منطقی بواقعیّت در نخواهد آمد. در پی مشخص کردن اساسی‌ترین مشکلات، موضوع اتحاد از مسائل بسیار جدی است. این موضوع يك موضوع تاریخی تمامی جهان هستی است .

اگر کشوری از بین برود، مسئله‌ی مهمی نیست. در زمان آدم کشور وجود نداشت، برای او اداره کردن خانواده‌اش کافی بود. اگر خانواده او بی عیب و نقص باقی می‌ماند کافی بود. سرانجام قضیه برمی‌گردد به موضوع اتحاد وجدان با وجود جسمی و همینطور اتحاد خانواده. از دیدگاه جهانی، موضوع آن است که آیا يك زوج می‌توانند یگانه بشوند، آیا يك مرد و زن می‌توانند یکی شوند. اگر به چنین چیزی دست پیدا کنیم آنگاه دنیا جایگاه صلح خواهد شد. مشکلات دنیا اگر با عشق راستین حل و فصل شوند، مسئله‌ی بزرگی نخواهند بود. اگر شما به اتحاد روح و جسم نائل شوید، اگر والدین و فرزند با هم متحد شوند و اگر بین زن و شوهر و همچنین بین فرزندان اتحاد وجود داشته باشد، ما به دنیای صلح دست خواهیم یافت.

همانطور که این دنیا يك دنیای پلید و درگیر جنگ است، همه چیز در آن در يك وضعیت جنگی بسر می‌برد. علت آن است که روح با جسم درگیری دارد، و درگیری و ناسازگاری مرد و زن يك معیار قابل پذیرش شده است. پایه برای صلح در کجای این دنیا است؟ نه در کره، نه در ژاپن، نه در جهان و نه در بهشت بلکه در درون وجود فرد می‌باشد. اگر ما قادر نباشیم که بین روح و جسم درگیر جنگ صلح بوجود آوریم، صلح جهانی هرگز وجود خارجی نخواهد یافت.

بنابراین ما چه باید انجام بدهیم تا صلح جهانی فرا برسد؟ شرط اساسی نیل به اساس یگانگی است. اگر ما نتوانیم آن را بیابیم، دنیای متحده برای همیشه دور از دسترس خواهد بود. به همین خاطر وقتی که از خود می‌پرسیم که قبل از ایجاد اتحاد در درون خانواده، آیا روح و جسم خود ما در اتحاد است، در می‌یابیم که چنین نیست. بین روح و جسم درگیری و ناسازگاری وجود دارد، اینطور نیست؟ وقتیکه يك زوج (شوهر و زن) با هم درگیری دارند امید، صلح و شادی وجود

ندارد. در پایان روح و جسم به دو پاره تقسیم شده و زوج به چهار پاره (دو روح و دو جسم) تقسیم شده و بین تمامی آنها درگیری و ناسازگاری شکل می‌گیرد.

نهضت هماهنگ شما را به يك سیستم و منطق سازماندهی شده مسلح می‌کند که هیچ مذهب یا ایدئولوژی دیگری نمی‌تواند از آن تقلید کند. نهضت به شما آموزش می‌دهد که با يك اتحاد درونی برانگیخته شده از عشق راستین خداوند برای دیگران زندگی کنید و این می‌تواند اساس صلح برای افراد، خانواده‌ها، قبایل، نژادها، ملت‌ها، دنیا و سرانجام جهان هستی باشد. ایده‌آل والدین راستین آن است که تمامی مردم در عشق راستین با خدا متحد شده، با ایجاد يك دنیای صلح‌آمیز، امید بخش و شاد بهشت و زمین را متحد سازند. هیچ احدی با این ایده مخالفت نمی‌کند و همه خواهان چنین چیزی هستند.

با این توصیفات دنیای آینده چگونه دنیایی خواهد بود؟ امروزه تمامی مردم ساکن بر روی زمین صرفنظر از نوع جنسیت و میزان سنی، در پی اتحاد جهانی هستند. آن اتحاد جهانی يك دنیای درگیر جنگ نیست بلکه يك دنیای صلح و آزادی بدون جدائیهای ملی، مبارزات نژادی و مرزهای شکل گرفته از تفاوت‌های فرهنگی است. مردم دنیا در مطابقت با يك حوزه فرهنگی متحد در آرزوی نیل به يك کشور صلح و آزادی هستند. يك دنیای صلح در واقع يك دنیای اتحاد می‌باشد. برای هدف قرار دادن يك دنیای صلح نه دو راه بلکه فقط يك راه وجود دارد. دنیای امید و صلح که مرد و زن، پیر و جوان از ته دل خواستار آن هستند يك دنیای متحد است.

در درون هر کشوری سازمانهای مختلفی را مشاهده می‌کنیم که هر کدام از آنها دارای اندیشه‌ها، روش و اهداف مخصوص بخود هستند. با نگاهی به چشم انداز سیاسی کره مشاهده می‌کنیم که احزاب حاکم و مخالف (حزب اقلیت) هر کدام می‌خواهند حزب خودشان را در مسیر خواست خودشان هدایت کنند. در این صورت چند مسیر مختلف وجود خواهد داشت؟ مشکلات از اینجا ناشی می‌شود.

از طلوع تاریخ بشری، انسانهای بیشماری برای دنیای صلح کار و تلاش داشته‌اند. اما تعداد آن افراد واجد شرایط برای رهبری و هدایت امید بخش بشریت بسوی دنیای صلح آمیز والا مقام فردا، بمرور رو به کاهش گذاشته است. از کجا راهی را آغاز کنیم که در آن بتوانیم ساختار يك سیستم اجتماعی را تعیین کنیم که به وراثت تمامی بررسی‌ها و تحقیقات و عادات عرفی برود؟ نقطه‌ی آغاز باید خدای راستین باشد. خدای راستین در آغاز مرد و زن را در طی مراحل آفرید. اگر خدا نتواند راه برای نیل به مقصد را دوباره کشف کند، ما قادر نیستیم که ایده‌آل آفرینش، تحقق ایده‌آل يك دنیای صلح آمیز را بواقعیت درآوریم.

دنیای صلح آمیز يك دنیای اتحاد است. اگر مرد و زن در مسیر مخالف با راه خدا گام بردارند، فرا رسیدن يك دنیای صلح آمیز امکان ندارد. نتیجه آن است که این دو مسیر بطور اجتناب ناپذیری باید یکی بشوند.

اگر ما در جهت نیل به دنیای متمرکز بر خدای راستین به وراثت بشری برویم، نمی‌توانیم راه بسوی دنیای متحد و صلح آمیز را کشف کنیم. تاسیس استاندارد صلح در دنیای روح و جسم از مهمترین و اساسی‌ترین چیزها در زندگی است.

روح با جسم در حال درگیری و ناسازگاری است، با توجه به این نکته استاندارد صلح در کجا است؟ نه در دنیا، و نه در کشور یا در مذهب. شما در مقام رهبران مذهبی، باید بتوانید به اتحاد مطلق روح و جسم نائل آمده استاندارد صلح را در درون خودتان بوجود آورید. هدف تمامی تعالیم، تمامی آموزشها و تمامی اندیشه‌های بشری برای تحقق یگانگی بین روح و جسم می‌باشد.

به همین خاطر شما می‌توانید به تعالیم هر مذهبی ایمان داشته باشید، شما می‌توانید يك رهبر مذهبی با شکوه بوده و یا بعنوان يك مقدس بزرگ بر دنیا حکروائی کنید، اما قادر نخواهید بود که در این حوزه سقوط کرده به اتحاد روح و جسم مشابه با اتحاد خدای ابدی دست پیدا کنید.

مسئله این است که در حوزه‌ی قلبی فردی، اگر من ریشه صلح عشق را راستین استوار نسازم، آنگاه مذهب ایده‌آل و بهشت رویایی بیش نیستند. برای حل این مشکل متمرکز بر خدا، اساس اتحاد در حوزه فرزندان خدای راستین یافت می‌شود. جسم و روح خدا در درگیری ناسازگاری نیستند.

حال چرا روح و جسم بشر در درگیری ناسازگاری هستند؟ پدر، پادشاه صلح و پسر باید با هم متحد بشوند تا اتحاد روح و جسم بتواند بواقعیت درآید. سرچشمه‌ی صلح از رابطه‌ی پدر- پسر متحد شده در نسب خونی، زندگی و عشق راستین خدا آغاز می‌شود. در جایی که پدر و پسر یکی می‌شوند، نسب خونی، زندگی و عشق راستین نیز باید یکی و یگانه شوند.

ما انسانهای سقوط کرده بطور حتم باید خدای اصیل و محیط ایده‌آل حوزه‌ی بهشتی را بشناسیم. اگر ما برای اتحاد با خدا تلاش جدی داشته باشیم، بطور حتم راه بسوی بهشت گشوده خواهد شد. این آغاز دنیای صلح آمیز و همچنین لذتی است که یک پدر و پسر متحد شده در تمامی سطوح فردی تا خدا تجربه خواهند کرد. بنابراین والدین راستین بعنوان نجات دهنده در ظهور دوباره، همه چیز را در بهشت فروزان ساخته و با دنیای روی زمین متحد خواهند ساخت. آنها پادشاهی بهشتی را بر روی زمین و در دنیای روح بواقعیت درخواهند آورد.

نسب خونی، زندگی و عشق راستین توسط والدینی راستین بر روی زمین آموزش داده شده است. تمامی مقدسین، بزرگان و همگان در دنیای روح خواهان چنین چیزی هستند، اما این امر از طریق مردمی که چگونگی حوزه‌ی یگانگی با والدین راستین را بر روی زمین آموخته‌اند به انجام خواهد رسید. آنگاه پادشاهی بهشتی بر روی زمین و در دنیای روح تاسیس خواهد شد.

مردم دوستداشتنی سرزمین پدری و هفتاد میلیون مردم تماشاگر این مراسم در تمامی نقاط مختلف جهانی! شما برآستی مردمی متبرک هستند، زیرا شما به استقبال عهدی می‌روید که در آن والدین راستین تمامی بشریت ظهور کرده است، عهدی که شبه جزیره‌ی کره بجای شمشیر و تفنگ با عشق راستین و حقیقت متحد خواهد شد، عهدی که تمامی مذاهب تحت تعلیمات والدین راستین با یکدیگر متحد خواهند شد، و عهدی تاریخی و مشیت شده که در آن مقدسین و اجداد ما می‌توانند از دنیای روح بر روی زمین نازل شده و بطور مستقیم با ما رابطه برقرار کنند.

مایل هستم تا در این فرصت پیامهای عیسی مسیح و دیگر مقدسین را به شما معرفی کنم که در آن اصرار دارند تا ما به ورای تمامی مرزهای نژادی، ایدئولوژیکی و ملی رفته و دنیای صلح را بسازیم. لطفاً این پیامها را از طریق کتابهایی که در این مورد ارائه شده‌اند مورد مطالعه قرار دهید.

امیدوار هستم که شما یک زندگی سراسر شادی و صلح همراه با والدین بهشت و زمین در پادشاهی ابدی بر روی زمین و در دنیای روح داشته باشید، جاییکه در آن همه اعضای یک خانواده‌ی بزرگ عشق راستین هستند.

عمیقاً دعا میکنم که شما خانواده‌ی شما کشور شما و دنیا از برکات بیکران خداوند لبریز شود.

متشکرم.